

کارخانه ریسندگی صنایع الدوله

علی موسیوند

مقدمه:

پس از سقوط دولت صفویه (۱۱۳۵ ه.ق) جامعه ایران به افول سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دچار شد. هجوم افغان‌ها نه تنها باعث شد قدرت سیاسی صفویه در آن زمان در هم بشکند بلکه شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه پس از دوران کوتاه مدت حکومت افغان‌ها هیچ‌گاه به دوران قبل از آن به خصوص دوران شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۵ ه.ق) نرسید.

پس از سقوط اصفهان در اکثر صنایع و حرف نه تنها تغییر شایان توجهی رخ نداد بلکه تا حدود زیادی اکثر صنایع سیر نزولی داشتند. از جمله صنایعی که کاملاً از زمان مورد بحث تا دوره پهلوی اول سیر نزولی داشتند صنایع نساجی بود. در طی سه دوره حکومت افشاریه، زندیه و قاجاریه اصولاً تحولی که در تاریخچه نساجی قابل توجه باشد به ندرت رخ داد. ایران که قرن‌ها مبتکر نساجی و صادرکننده پارچه به اقصی نقاط جهان بود و از این جهت در رتبه اول قرار داشت به وارد کننده انواع پارچه‌های اروپایی تبدیل شد. در واقع جلال و عظمت نساجی دوره صفویه مانند سایر رشته‌های هنری، پس از سقوط صفویه دیری نپایید گویی هنر خلاقه و ابتکار تحسین‌آمیز هنرمندان زمان صفویه هرگز وجود نداشته است. در دوره نادرشاه لشکرکشی‌ها و جهانبگیری‌ها باعث شد این پادشاه بزرگ، کمتر به فکر مملکت‌داری به معنای واقعی بیافتد به همین جهت صنعتگران نه حمایتی شدند و نه تشویقی و حتی بازاری برای فروش مصنوعات خود نداشتند. اکثر آن‌ها دست از کار کشیدند و به سایر امور از جمله سپاهی‌گری پرداختند و در شمار لشکریان نادر به شرق و غرب تاختند.^۱

۱. الوند، احمد. صنعت نساجی ایران از دیر باز تا امروز، تهران: دانشکده صنعتی پلی تکنیک، ۱۳۵۰، ص ۱۳۰.

در دورهٔ زندیه تلاش‌های نافرجامی برای احیای صنایع و حرفهٔ ملی به ویژه در نواحی جنوب صورت گرفت، ولی نابسامانی سیاسی این دولت باعث عدم موفقیت این تلاش‌ها شد. دوره قاجاریه تا حدود زیادی یکی از بدترین دوره‌ها در تمامی تاریخ برای صنعت بافندگی است زیرا از یک سو سیاست ناگزیر دروازه‌های باز، سیل پارچه‌های خارجی را به ایران سرازیر کرد و از سوی دیگر ضعف حکومت و نیز دخالت دو ابرقدرت استعماری انگلیس و روسیه باعث عدم توسعه صنایع به ویژه صنایع نساجی شد. البته این به معنی عدم وجود مردان کاردان و آگاه در این دوره نبود. تلاش‌های عباس میرزا برای نوسازی ارتش ایران و نیز تلاش‌های امیرکبیر برای ایجاد تحول در نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی با عدم موفقیت همراه بود. «هنگامی که ولیعهد جوان (ناصرالدین میرزا) در سال ۱۲۶۶/۱۸۴۸ بر تخت نشست، امیرکبیر صاحب عنوان امیرنظام و صدراعظم شد و مورد تشویق قرار گرفت تا به اصلاحات گسترده‌ای بپردازد. وی ارتش دائمی را احیاء کرد و برای تأمین نیازمندی‌های ارتش و قطع واردات خارجی، پانزده کارخانه ساخت کارخانه‌هایی برای تولید توپ، سلاح‌های سبک، یونیفرم‌های نظامی، انواع نشان‌های نظامی، پارچه‌های پشمی، چلوار و پارچه‌های دیگر، کالسکه، سماور، کاغذ، چدن، سرب، مس، قند و شکر و...»^۱

در زمینهٔ صنعت نساجی هم بودند افرادی که با آگاهی از روند رو به رشد این صنعت در اروپا، تلاش‌هایی در جهت تحول در صنعت نساجی سنتی ایران برای رقابت با صنایع و تولیدات خارجی انجام دادند: «در این دوره وطن‌پرستانی مثل مرحوم صنایع‌الدوله، مرحوم حاج رحیم قزوینی، مرحوم حاج یوسف قزوینی، سعی کردند تا با ایجاد کارخانه‌هایی در تهران و تبریز به جنگ منسوجات خارجی بروند ولی هر بار تلاش تحسین‌آمیزشان با نفوذ سیاست‌های خارجی به ناکامی منجر گردید.»^۲

همان‌طوری که اشاره شد یکی از این افراد صنایع‌الدوله بود که در اینجا مختصری از زندگی سیاسی و فعالیت‌های صنعتی وی بیان می‌شود.

صنایع‌الدوله

یکی از رجال نامدار دوره قاجاریه مرتضی قلیخان صنایع‌الدوله فرزند دوم علیقلیخان مخبرالدوله بود او در سال ۱۲۷۳ ه.ق در تهران متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی در تهران به واسطهٔ حمایت پدرش در آلمان به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و در آنجا در رشته معدن‌شناسی درجه مهندسی گرفت. پس از باگشت به ایران به واسطه شغل پدرش وارد خدمات دولتی شد و ابتدا در امور تلگرافخانه‌ها مشغول خدمت شد. سپس به عضویت وزرات معادن درآمد.^۳ وی به دلیل ازدواج با احترام‌السلطنه دختر مظفرالدین میرزا

۱. آبراهامیان، پرواند. *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه: احمد گل محمدی - محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶، صص ۶۹ و ۷۰.

۲. الوند، همان، ص ۱۳۲.

۳. بامداد، مهدی. *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۸، صص ۶۳ و ۶۴.

رابطه نزدیک‌تری با دربار پیدا کرد.^۱ صنایع‌الدوله از جمله شخصیت‌هایی بود که همواره مورد توجه شاه و سایر مقامات عالی‌رتبه بود. از زمان اتمام تحصیلات در پست‌های مختلف سیاسی مشغول خدمت بود.^۲ پس از پیروزی مشروطه‌طلبان و صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین‌شاه (۱۳۲۴ ق) در هیأت تنظیم نظامنامه انتخابات از طرف شاه به عنوان رئیس انتخاب شد و در اولین دوره مجلس شورای ملی به عنوان یکی از نمایندگان اعیان و ملاکین^۳ انتخاب و در اولین جلسه مجلس به عنوان رئیس مجلس برگزیده شد. مدت چند ماه در این مقام بود ولی پس از ترور امین‌السلطان صدراعظم وقت توسط عباس آقا صراف تبریزی، از مقام خود استعفا داد.

پس از آن در چندین کابینه به عنوان وزیر فواید عامه، وزیر علوم و اوقاف و فرهنگ انتخاب شد از جمله در دو کابینه متوالی نظام‌السلطنه مافی (۱۶ ذی‌القعدة ۱۳۲۵ و ۲۶ محرم ۱۳۲۶ ق) وزیر فواید عامه بود و در هیأت دولت‌های ترمیمی ناصرالملک همدانی و نظام‌السلطنه وزیر فرهنگ و اوقاف و در کابینه میرزا احمدخان مشیرالسلطنه وزیر مالیه بود.^۴

صنایع‌الدوله پس از استبداد صغیر و فتح تهران توسط ملیون مجدداً به عنوان وزیر در کابینه سپهدار تنکابنی و مستوفی‌الممالک انتخاب شد ولی سرانجام در ۵ صفر ۱۳۲۹ (بهمن ماه ۱۳۸۹) توسط دو گرجی از اتباع روسیه به قتل رسید. شاید بهترین شرح راجع به خصوصیات صنایع‌الدوله توسط برادرش مخبرالسلطنه بیان شده که در رنایش اینگونه شرح می‌گوید: «صنایع‌الدوله چند عیب داشت شب و روز در فکر آبادی مملکت بود علم داشت، اجنبی‌پرست نبود و به مال دنیا مباحثات نمی‌کرد، عمرش را صرف حرف‌های دروغ که اسمش سیاست و پلیتیک است نکرده بود، کارخانه در این مملکت به تشویق و اقدام صنایع‌الدوله دایر شد، راه‌آهن به نقشه او کشیده، از دیگران اثری باقی نیست...»^۵

اقدامات صنعتی صنایع‌الدوله

یکی از جنبه‌های مهم زندگی مرتضی قلیخان فعالیت‌های صنعتی و نقشش در تأسیس و راه‌اندازی

۱. مخبرالسلطنه هدایت، مهدی قلیخان. خاطرات و خطرات، توشه‌ای از تاریخ پادشاهی شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۵، ص ۶۴.
۲. از جمله مشاغل وی قبل از انقلاب مشروطه: ریاست ضرابخانه و خزانه، ریاست اداره پست و تلگراف و... برای آگاهی بیشتر ر.ک به بامداد، همان، ص ۶۸.
۳. این قشر در دوره اول مجلس صاحب پنج نماینده شدند و نمایندگان انتخابی عبارت بودند از: صنایع‌الدوله، نصره السلطان، صدیق حضرت، احتشام‌السلطنه و سعدالدوله.
۴. برای آگاهی بیشتر ن.ک. به عاقلی، باقر. شرح رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، تهران: نشر گفتار با همکاری نشر علم، ج ۳، ۱۳۸۰، ص ۱۳۷۲ و بامداد؛ همان.
۵. هدایت، همان، ص ۲۲۲ ایرج میرزا در قطعه شعری اینگونه به مرگ وی اشاره کرده است: صنایع‌الدوله هم در دوره ما، یکی بود از شگفتی‌های دنیا. در سید هادی حائری (کورس) گنجینه ذوق و هنر ایرج، تهران: نشر جوان، ۱۳۷۰، ص ۱۵۱.

کارخانه و سایر امور صنعتی بود به طوری که لقب صنایع‌الدوله را ناصرالدین‌شاه به همین خاطر به وی اعطا کرد. در واقع صنایع‌الدوله به واسطه آشنایی با تحولات صنعتی اروپا و نیز نیاز به ایجاد تحول در صنایع ایران به ویژه صنعت نساجی اقدام به تأسیس کارخانه ریسندگی کرد. وی ابتدا توانست یکی از رجال پولدار زمان خود یعنی محمد تقی شاهرودی^۱ را به سرمایه‌گذاری جهت تأسیس کارخانه تشویق کند.^۲ اما مخبرالسلطنه که خود یکی از سهامداران کارخانه بوده راجع به تأسیس کارخانه این گونه شرح می‌دهد: «حاج محمد تقی شاهرودی خواب دیده بود تهران را چراغان کرده است، گفته بودند کار عام‌المنفعه خواهی نمود، به خیال خودش نزد صنایع‌الدوله آمد و در آوردن کارخانه کاغذسازی شور کرده، گفتند ریسمان‌ریسی و چلواربافی اولی است. قرار شد ریسمان‌ریسی را مقدمتاً بخواهند پانزده هزار تومان حاجی گذارد و پانزده هزار تومان صنایع‌الدوله. کارخانه دو هزار و سیصد دوک تمام‌تاب سفارش داد و ده هزار تومان از پانزده هزار تومان را صنایع‌الدوله از حاجی قرض کرد. شخصاً در ابتدا پنج هزار تومان داد و آن ده هزار تومان را به حاجی محمد تقی مقروض ماند تا در افراز با ورثه محسوب گشت. (اسناد) کارخانه با این مابه انجام نگرفت، پدرم بیست و دو هزار تومان محل داشت به حاجی داد که پانزده هزارش از من باشد و یازده هزارش از اخوی محمد قلیخان. اسباب کارخانه رسیده بود و بعضاً سوار شده بود، روز ۱۳ نوروز ناصرالدین‌شاه به بازدید کارخانه آمد، فرمودند لقبی که با مورد داده‌ایم صنایع‌الدوله‌گی به مرتضی قلیخان است و تمجید کردند.»^۳

این کارخانه با صرف هزینه هنگفت و زحمات صنایع‌الدوله و محمد تقی شاهرودی و حمایت مخبرالدوله و شاه تأسیس شد و محصول آن نیز وارد بازار شد.^۴ در کتاب *تاریخ افضل و ضیعت* کارخانه اینگونه تشریح شده است: «کارخانه‌ای که امروز در ایران خوب پیشرفت کرده و در امور آن تطیل نشده و ضرری فراهم نیامده کارخانه ریسمان‌بافی است جناب صنایع‌الدوله وزیر سابق خزانه احداث کرده و حاجی محمد تقی شاهرودی مدیر و معاون این عمل است. در نهایت خوبی از عهده برآمده هنرها به کار می‌برند هر گونه اسباب و ادوات آهنی و چرخ از اروپا آورده به درستی و صحت رفتار می‌کنند و از مزد دادن به عملجات آگاهند و اسراف و اتلاف در کار ندارند.»^۵ اما این کارخانه مدتی بعد از کار افتاد، یکی از عمده‌ترین دلایل این اتفاق نفوذ دو

۱. حاج محمد تقی شاهرودی از تجار معروف تهران و از مشروطه‌طلبان شماره یک و در زمان تحسن با متحصنان سفارت انگلیس و عثمانی همراهی مادی و معنوی بسیار نمود. در دوره اول به عنوان یکی از نمایندگان تجار تهران در مجلس انتخاب شد و در سایر جریانات بعد از مشروطه هم شرکت داشت از جمله در جریان مهاجرت وکلای مجلس از تهران در طی جنگ اول جهانی. وی در ۱۳۳۶ ه.ق درگذشت. برای آگاهی بیشتر ن.ک. به بامداد، ج ۳، صص ۳۲۱ و ۳۲۲.

۲. بهنود، مسعود. کشته‌گان بر سر قدرت، تهران: نشر علم، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰.

۳. هدایت، همان، ص ۷۴.

۴. جمالزاده در کتاب خود اشاره به محصول عالی آن در ابتدا کرده ولی به علت عدم موفقیت در رقابت با محصولات خارجی کارخانه بسته شد. ن.ک. به اردکانی، حسین محجوبی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲، ۲۵۳۷، ص ۷۴.

۵. به نقل از محجوبی اردکانی، همان. ناظم‌الاسلام کرمانی در کتابش اشاره به محصول کارخانه در ۱۳۱۵ ق کرده

قدرت استعماری یعنی روسیه و انگلیس در امور داخلی ایران بود: «چلواربافی و شمعی از مؤسسات اول سلطنت ناصرالدین‌شاه چرا خوابید آن همه صحبت از راه‌آهن چرا دم بتو شد، پیشنهاد صنایع‌الدوله به قند و چای چرا سر نگرفت، کارخانه قندسازی کهریزک چرا از کار ماند، ریسمان‌ریسی صنایع‌الدوله چرا چله شد، همه این چراها یک جواب دارد زیرا عهدنامه ترکمان‌چای دست اقدامان را بسته بود.»^۱

اما این تجربه تلخ صنایع‌الدوله در تأسیس کارخانه باعث دلسردی وی در امور صنعتی نشد بلکه با پشتکار بیشتر اقدامات دیگری را در ایجاد صنایع جدید در ایران انجام داد از جمله در اواخر عمر ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ ق) کوره آهن‌تراشی به راه انداخت و در سال ششم سلطنت مظفرالدین‌شاه آسیای بخار در تهران راه اندازی کرد.^۲

همان‌گونه که اشاره شد صنایع‌الدوله علاوه بر فعالیت‌های سیاسی در امور اقتصادی و صنعتی کاملاً فعال بود و در برخی از کارخانه‌هایی که در دوره قاجار تأسیس شد سهمیم بود یا از آن‌ها آگاهی داشت. اما آرمان اصلی صنایع‌الدوله کشیدن راه‌آهن در ایران بود و در این زمینه مذاکراتی با دولت آلمان انجام داد.^۳ و حتی رساله‌ای در این خصوص با عنوان *راه نجات* به رشته تحریر درآورد و در آن ادعا کرد یگانه راه نجات ایران کشیدن راه به ویژه راه‌آهن است.^۴

سندی که در ذیل آورده می‌شود راجع به دعوی ابوالقاسم رکن‌الاسلام بر ورثه صنایع‌الدوله در سال ۱۳۱۸ ه.ش راجع به سهم کارخانه ریسمان‌ریسی و منافع چندین ساله می‌باشد. این سند می‌تواند گویای مطالب چندی که در منابع کمتر بدان پرداخته شده از جمله: سهم محمد تقی شاهرودی در تأسیس کارخانه، اوضاع کارخانه پس از تعطیلی و نحوه راه‌اندازی مجدد، درآمد، ورثه، نحوه رسیدگی به شکایات و... باشد. این سند به عنوان سند تاریخی، وضعیت کارخانه در دوره پهلوی اول را تا حدود زیادی مشخص می‌کند زیرا در کمتر منبعی اوضاع کارخانه در این دوره مورد اشاره قرار گرفته است. حتی مخبرالسلطنه که خود از صاحبان کارخانه و در دوره مورد بحث در قید حیات بوده، طبق این اسناد از طرف‌های دعوی بوده و در کتاب خود راجع به نحوه راه‌اندازی مجدد کارخانه به طور مختصر این‌گونه شرح می‌دهد: «کارخانه ریسمان‌ریسی صنایع‌الدوله مدتی بود به عللی، اهم همه عهدنامه ترکمان‌چای، خوابیده بود در این مدت بیست هزار تومان از دولت به تصویب مجلس استقراض شد و کارخانه راه افتاد. شاه^۵ را برای تماشا به کارخانه دعوت کردم فال شد خوششان آمد، کارخانه‌ای برای شاهی سفارش دادند و حسین‌خان رفیق

است. ن.ک. به کرمانی، ناظم‌الاسلام. تاریخ بیداری ایرانیان، یا تاریخ مشروح و حقیقی مشروطیت ایران، مجموعه

۳ جلدی، تهران: امیرکبیر، ج ۳، ۱۳۸۴، ص ۵۶۳.

۱. هدایت، همان، ص ۱۵۸.

۲. کرمانی، همان، ص ۵۶۲.

۳. آفاری، ژانت. *مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون، ۱۳۷۸، ص ۳۹۹.

۴. بهنود، همان، ص ۱۷۴.

۵. رضا شاه پهلوی.

شاهسون مرا که مدیر کارخانه بود جلب فرمودند.^۱
این پرونده^۲ حاوی رأی دادگاه پژوهشی شعبه ۳^۳ تهران، اعتراضات‌های وکیل طرفین و در نهایت رأی شعبه ۳ دیوان عالی کشور که در تأیید رأی دادگاه استان صادر شده است.

اسناد

سند ش ۱

(ن.ک به تصویر شماره ۵۲،۳،۴)

درخصوص دادرسی پژوهشی حاج ابوالقاسم رکن‌السلام طهرانی با ورثه صنایع‌الدوله و غیره که بدو^۴ وکیل آقای رکن‌السلام در دادگاه شهرستان بخواسته بیست و پنج هزار و چهارصد و شصت و نه ریال بابت اجرة‌المثل خود از کارخانه ریسمان‌ریسی و بابت خسارت دعوی سابق و بابت طلب مرحوم محمد تقی شاهرودی از ورثه صنایع‌الدوله که مدعی انتقال یک ربع از آن به خود گردیده و به خواسته بطلان و انحلال شرکت کارخانه مزبور و تعیین هیئت تصفیه مرحوم صنایع‌الدوله، آقایان امان‌الله خلیفی عزت‌الله محمد تقی احترام‌السلطنه عفت‌السلطنه-کوکب اعظم فاطمه خانم و حسین‌خان مدیر کارخانه به استناد رونوشت حکم شعبه اولی دادگاه شهرستان طهران اقامه دعوی نموده در جریان کار هم دادخواست دیگری از طرف وکیل مشارالیه به طرفیت آقایان حاج مهدیقلی مخبرالسلطنه و محمدقلی مخبرالملک و ورثه محمد تقی شاهرودی فاطمه خانم اصالتاً و قیومتاً از طرف صدیقه خانم همشیره مجنونیه خود عذرا خانم و بلقیس خانم به خواسته انحلال شرکت ریسمان‌یافی و تصفیه آن و تأدیه سهم‌الشرکه و منافع سنوات گذشته و طلب از شرکت معادل شانزده هزار ریال اقامه دعوی نموده مستند دعوی هم همان رونوشت حکم شعبه ۱ دادگاه شهرستان طهران بوده مشعر بر اینکه آقای رکن‌السلام به خواسته یک دانگ از کارخانه مزبور بر زهرا دختر شاهرودی و سه نفر اولاد او آقای مهدی، محمدحسین، کبری خانم به مستند ۳ فقره مصالح‌نامه خیراری اقامه دعوی نموده و پس از آنکه مدعی‌الیهم را به خلع ید و تسلیم یک دانگ و نیم ربع از کارخانه محکوم کرده وکیل ورثه صنایع‌الدوله بر حکم مزبور به عنوان ثالث اعتراض کرده دادگاه مجدداً رسیدگی و رأی سابق را فسخ و ورثه صنایع‌الدوله محکوم به رفع ید از ۳ خمس از یک‌دانگ کارخانه و

۱. هدایت، همان، ص ۳۸۳.

۲. پرونده ۶۵۷/۱۱ در بایگانی راکد معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران.

۳. تشکیلات علیّه در دوره پهلوی اول: الف- دادگاه‌های عمومی ۱- دادگاه بخش (صلح) ۲- دادگاه بدایت (دادگاه شهرستان) ۳. دادگاه استیناف- دادگاه پژوهشی (دادگاه استان) ۱۰. دیوان عالی تمیز (دیوان عالی کشور) ب- دادگاه‌های اختصاصی ۱. دادگاه شرع ۲. محکمه صلح ۳. دادگاه تجارت ۴. دادگاه انتظامی قضاات ۵. دیوان حرب (دادگاه نظامی) ۱۱. دیوان جزای عمال دولت (دادگاه کیفر کارکنان دولت) دیوان محاکمات مالیه (دیوان دادرسی مالی) ن.ک. به حسین زرینی و حسین هژبریان، تاریخ معاصر دستگاه قضایی ایران و تحولات آن، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸، صص ۲۵۲ و ۲۵۳.

اعیان و ائامیه به استثناء موتور دیزل نموده که به تصرف مدعی بدهند و پس از اینکه این حکم به جهاتی در دیوان کشور نقض و به شعب ۱ دادگاه شهرستان (ارسال گردیده) بالاخره رأی داده که چون مرحوم محمد تقی شاهرودی بیست و نه هزار و سیصد و نود و شش تومان و هشت قران و خرده برای تأسیس کارخانه پرداخته که به شرکت آقایان صنایع‌الدوله و حاج مخبرالسلطنه و مخبرالملک کارخانه تأسیس و مشغول به کار شود و چون ورثه حاج محمد تقی منحصر به چهار دختر و یک نفر عیال بوده و سهم هر دختر بعد از وضع ثمنیه عیال معادل شش هزار و چهارصد و نود و شش تومان و یک قران و پنجاه دینار می‌شود و چون سهم الارث زهرا خانم یکی از دخترها به رکن‌الاسلام منتقل شده ورثه صنایع‌الدوله محکومند نسبت به مبلغ فوق‌الذکر مدعی را شریک در کارخانه شناخته در منافع و ضرر او را سهیم سازند بالجمله دادگاه شهرستان پس از رسیدگی نسبت به مبلغ دوازده هزار و پنج ریال از خواسته که بابت طلب مرحوم شاهرودی از کارخانه نسبت به سهم الارث زهرا خانم مطالبه شده این قسمت را مشمول مرور زمان دانسته و راجع به تقاضای انحلال شرکت هم به دلایل مذکوره در رأی مدعی را بی‌حق شناخته و در خصوص اجرة‌المثل که از ورثه صنایع‌الدوله و شانزده هزار ریال منافع که از سایر شرکا مدعی‌الیهم خواسته شده به لحاظ اینکه از طرف دادخواه صورت جمع و جزء کارخانه داده نشده تا رسیدگی به حساب کارخانه ممکن باشد رأی داده که دعوی مدلل نیست و بالاخره راجع خسارات دعوی سابق ورثه صنایع‌الدوله را به تأدیه مبلغی محکوم کرده و بر اثر درخواست پژوهشی آقای رکن‌الاسلام دادگاه شعبه چهار استان مرکز قرار مرور زمان را فسخ کرده و در قسمت مطالبه اجرة‌المثل و منافع کارخانه و مطالبه سهم الارث زهرا خانم از بابت طلب مرحوم شاهرودی از کارخانه حکم پژوهش خواسته را بالتلیجه تأیید نموده است و راجع به دعوی پژوهشی به طرفیت فاطمه خانم به عنوان قیمومت بر صدیقه خانم مجنون چون قیم‌نامه ارائه نشده رسیدگی نکرده و نسبت به ورثه اخترالسلطنه هم به ملاحظه اینکه در مرحله بدوی طرف دعوی نبوده و رسیدگی دادگاه شهرستان از این جهت واقعیت نداشته حکم و قرار قبول مرور زمان را فسخ دعوی در این بابت فابل رسیدگی ندانسته است. دیوان کشور بر اثر درخواست فرجامی آقای رکن‌الاسلام حکم دادگاه شعبه ۴ استان را در خصوص بی‌حقی مشارالیه در باب انحلال شرکت ابرام کرده ولی در قسمت راجع به مطالبه منافع و اجور به لحاظ اینکه درخواست رسیدگی به محاسبه شرکت به وسیله خبره شده بود دادگاه به این دلیل مدعی نموده و حکم را نقض (شکسته) و ختم امر به این دادگاه (شعبه استان مرکز) رجوع شده و چون حکم شعبه ۴ استان را در خصوص... (ناخوانا) آقایان امان الله و محمد تقی و کبری اعظم و احترام السلطنه و عفت السلطنه و فاطمه خانم) از ورثه صنایع‌الدوله صادر شده بود و نسبت به این اشخاص قرار رسیدگی داده بود. بالاخره تکمیل رسیدگی نسبت به این عده به این دادگاه ارجاع گردیده است و در اثنا جریان کار آقایان محمد مهدی و محمدحسین و کبری خانم به خواسته یازده هزار ریال به عنوان ورود ثالث دادخواستی به طرفیت ورثه صنایع‌الدوله و رکن‌الاسلام و آقای کمال هدایت اصیل و ولی اولادش و عذرا خانم شاهرودی و آقایان مخبرالسلطنه و مخبرالملک و علینقی هدایت و فریدون هدایت، علیرضا هدایت و احترام السلطنه تقدیم داشته‌اند و وکیلشان توضیح داده شعبه اولی حاج رکن‌الاسلام مشعر بر معامله بین

زهره خانم مورخه ذیحجه ۱۳۴۱ است در صورتی که در سال ۱۳۳۶ زهره خانم کلیه مایملک خود را که از جمله کارخانه بوده به مدعی‌های ثالث انتقال داده و نوشته مورخه ۴۳ و ۴۴ هم که اولاد زهره خانم (مدعیان ثالث) به عنوان معامله شرطی نسبت به کارخانه با مشارایه نموده‌اند بدون اخذ و جهش.....؟! معامله و آن هم در زمان صغر سن آن‌ها بوده و حکمی که سابقاً به طرفیت مشارالیه صادر گردید چون غیابی بوده و یک سال از تاریخ آن گذشته و در مقام ابلاغ و اجرا برنیامده و اینک بر اثر اعتراض ورثه صنایع الدوله از بین رفته و دیگر بر علیه مشارالیه تأثیری ندارد بدین جهت حاج رکن الاسلام حقی به کارخانه ندارد و فقط می‌تواند راجع به ثمن معامله شرطی بر زهره خانم مراجعه نماید بالجمله دعوی مزبور و دعوی اصلی درین دادگاه جریان یافته به استثناء دعوی به طرفیت آقای حسنعلی کمال هدایت شوهر اختراسلطنه اصالتاً و ولایتاً بر محمدرضا و عبدالرضا اولاد صغیرش و به طرفیت فریدون و علیرضا هدایت دو نفر اولاد کبیر او و همچنین به طرفیت صدیقه مجنونه که نسبت به این اشخاص سابقاً دادگاه ۴ استان قابل رسیدگی ندانسته و در جلسه نهم آبان ۱۳۱۸ دادگاه مرکب از اشخاص ذیل، با حضور آقای رکن الاسلام و بر حسب لایحه آقای سید هاشم و کیل، و کیل ورثه صنایع الدوله، آقای مرتضی ویشگایی، آقای عبدالحسین احمدی، آقای ابوالفضل صدر، و آقاسید مهدی رضوی و کیل مدعیان ثالث در غیاب زهره خانم و فاطمه خانم و جناب آقای مهد قلی هدایت و آقا محمدقلی هدایت و عذرا خانم شاهرودی رسیدگی نموده پس مشاوره نموده چنین رأی می‌دهد: تصمیم دادگاه و دلایل آن، راجع به دعوی آقا محمد حسین و محمد مهدی و کبری خانم به شرح رونوشت حکم مستند دعوا سابقاً مشارالیه در خصوص همین یک دانگ کارخانه طرف دعوا بوده‌اند نتیجه رسیدگی حکم به حقانیت آقای رکن الاسلام صادر گردید و مدافعات و کیل آنان خلاصه آنکه حکم بر اثر اعتراض ورثه صنایع الدوله هم مشعر به حقانیت مدعی نسبت به شصت و چهار هزار و نهصد و شصت و یک ریال وجه بوده نه یک دانگ از کارخانه هم وارد نیست زیرا فسخ حکم مزبور در نتیجه اعتراض ورثه صنایع الدوله بوده و مستفاد از ماده- اصول محاکمات آزمایش فسخ حکم مورد اعتراض مفید به حال محکوم‌الیه اصلی نخواهد بود و بر طبق قبض رسید اجرائی و غیره هم حکم صادره بر له حاج رکن الاسلام به موقع اجرا گذاشته شده و حکم مزبور صریحاً دلالت دارد که دادگاه حاج رکن الاسلام را سهیم و شریک در کارخانه دانسته و میزان سهم او را به نسبت وجهی که شرکای اولیه پرداخته‌اند معادل سهم الارث زهره خانم تعیین کرده بنابراین سایر اظهارات و کیل مشارالیه نیز مبنی بر اینکه زهره خانم قبلاً مایملک خود را به مدعی‌های ثالث انتقال داده و دیگر نمی‌توانسته معامله با مدعی نمایند و اینکه مصالحه‌نامه‌های مورخ ۴۳ و ۴۴ در زمان صغر سن مدعی‌های ثالث منعقد شده و تأثیری نداشته با صدور حکم سابقاً با دخالت همین اشخاص دیگر این اظهارات قابل استماع نیست.

بنا بر جهات مذکور و نظر به اینکه بر حسب رونوشت حکمی که اخیراً از طرف مدعی بدوی ارائه شده مدعیان ثالث همین دعوا را به عنوان اعتراض بر درخواست ثبت حاج رکن الاسلام در دادگاه شهرستان اقامه دعوی و در نتیجه رسیدگی حکم به عدم ثبوت و رد دعوی آنان از دادگاه مزبور صادر شده است لذا در هر صورت و هر حال دعوی مشارالیه دیگر مورد موقعیت نداشته و رد می‌شود اما راجع به دعوی پژوهشی حاج

رکن‌الاسلام دعوی مشارالیه بر حسب توضیحی که در جلسه ۲۴ اردیبهشت ۱۸ در این دادگاه این است که منافع کارخانه را از تاریخ دادخواست تقدیمی به دادگاه شهرستان مطالبه دارد در صورتی که محتویات پرونده کار حاکمی است که ورثه صنایع‌الدوله و سایر مدعی‌الیهیم بدوی در مدتی که مطالبه منافع کارخانه شده است عوائد و منافی از کارخانه برده‌اند و بلکه در مدت مزبور کارخانه در تصرف دولت بوده و عوائد آن را وزارت دارایی می‌برد. زیرا که تاریخ حکم مستند دعوا مشارالیه که آن را مبدأ مدت مطالبه منافع قرار داده دوم شهریور ماه ۱۳۱۱ است و دادخواست‌های تقدیمی او به دادگاه شهرستان هم یکی مورخ ۱۱ شهریور ۱۳۱۳ (۱) و دیگر مورخ ۲۲ آبان ۱۳۱۳ می‌باشد و نامه مدیر کارخانه خطاب به اداره اجرای دادگستری که خود حاج رکن‌الاسلام در این دادگاه ارائه و به آن استناد کرده و قانوناً بر علیه مشارالیه دلیل است و همچنین نامه وزارت دارایی خطاب به وزارت دادگستری مورخ ۲۸ دیماه ۱۳۱۲ که در پرونده بدوی بایگانی است دلالت دارند که کارخانه مزبوره از اول مرداد ۳۰۷ که مقدم بر تاریخ حکم مستند دعوی می‌باشد در دست دولت قرار گرفته و عوائد آن را وزارت دارایی در عوض وجهی که برای راه انداختن کارخانه به ورثه صنایع‌الدوله به عنوان قرض (وام) داده بود برداشت نموده و می‌نماید بنابراین مدافعه آقا سید هاشم وکیل، وکیل ورثه صنایع‌الدوله به مضمون فوق اشعار دارد و موجه بوده دیگر ادعای رکن‌الاسلام بر ورثه صنایع‌الدوله و سایر شرکای کارخانه به عنوان مطالبه منافع کارخانه در مدتی که دولت عوائد آن را برده است مورد نداشته و رد می‌شود و پژوهش‌خواه می‌تواند به وزارت دارایی مراجعه نماید. امضاء هیئت حاکمه و مهر دادگاه شعبه ۳ (رونوشت این حکم به اینجانب رسید. به علاوه تعهد می‌نمایم برویت اخوی و غیره‌ها محمد حسین و کبری خانم برسانم امضاء محمد مهدی ۱۸/۸/۲۷ رونوشت به اینجانب رسید و معتقدم که به خواهر خود فاطمه شاهرودی برسانم امضاء... جواد شاهرودی، ۱۸/۸/۲۷ رونوشت این حکم در تاریخ ۱۸/۸/۲۷ به آقای محمد مهدی تسلیم و تعهد نمود به رؤیت محمد حسن و کبری خانم برسانم، به علاوه رونوشت را به آقای جواد شاهرودی تسلیم که نزد فاطمه خانم و تعهد نمود به رؤیت ایشان برساند. امضاء و مهر مأمور احضار - بسمه تعالی پنجم ۱۸/۹ رؤیت شد رونوشت رسید رکن‌الاسلام طهرانی، در تاریخ ۱۳۱۸/۹/۹ به آقای ابوالقاسم رکن‌الاسلام سواد حکم ابلاغ شد امضاء مجیدی؟ - رونوشت رسید دوم ...؟ ۱۸ امضاء هاشم، ۱۳۱۸/۹/۱۰ به امضای سید هاشم وکیل ابلاغ شد. مجیدی)

(ن.ک تصویر شماره ۸)

سید هاشم وکیل

نمره: ۶۷۴

تاریخ: ۱۸/۱۰/۱۶

دیوان عالی کشور

اعتراض آقای حاج ابوالقاسم (رکن الاسلام) برای صادره از شعبه ۳ دادگاه استان مرکز از طرفیت به ورثه مرحوم صنایع الدوله وارد نمی‌باشد زیرا:

علاوه بر جهتی که مورد استدلال دادگاه است مورد مطالبه در دادخواست ابتدائی اجرةالمثل مورد حکم سابق بوده و بعد به عنوان خواستن حساب یا مطالبه سهم الشراکه تبدیل گردید در صورتی که تغییر دعوی یا تقاضای که از عرض حال مفهوم و حاصل نیست طبق ماده ۱۴۱ اصول محاکمات پنج روز قبل از جلسه باید بشود والا قابل پذیرفتن نیست و طبق ماده ۳۰۰ اصول محاکمات در مرحله پژوهش نیز غیر از آنچه در ابتدای مورد دادخواهی بوده قابل پذیرش نمی‌باشد و خواستن حساب عنوانی نیست که مستقلاً قابل دادخواهی واقع شود بلکه رسیدگی به حساب طریق اثبات دعوی یا دفاع است و در این مورد طبق توضیح دادخواه در جلسه دادگاه ۳ استان (خواستن حساب برای این است که ضرر یا نفع شرکت را بداند) و این اظهار حاکی از این است که مدعی نفعی برای شرکت نیست و اگر شرکت ضرر کرده باشد هر وقت سایرین مطالبه آن را نمودند ایشان می‌توانند دفاعاً رسیدگی به حسابی را که در نتیجه آن ضرر تشخیص شده بخواهند و ادعای نفع هم با این توضیح از ایشان پذیرفته نیست تا برای اثبات آن متوسل رسیدگی به حساب شوند به علاوه در دادخواست بدوی مدیر کارخانه را برای رسیدگی به حساب طرف قرار داده که متضمن تصدیق است بر اینکه ورثه صنایع الدوله در محاسبه آن دخالتی نداشته و اگر دفتری باشد نزد مدیر کارخانه است و مدتی است کارخانه تعطیل و مدیر سابق هم در اینجا نیست ورثه نمی‌توانسته او را حاضر و ملزم به دادن حساب به دادخواه نمایند علاوه بر مراتب بالا شرکت و یا کار تجارتي دیگر مستلزم نفع نمی‌باشد. نامه وزارت دارائی حاکی است که عایدات کارخانه را به طوری کلی یعنی در زمانی که به کار افتاده و تا وقتی که کار می‌کرده دولت استیفا می‌نموده و با پول دولت و موتور دیزل که از پول دولت خریداری شده به کار افتاده و تاریخ نامه که ۱۳۱۲ است دلالت ندارد بر اینکه عایدات از آن تاریخ به بعد وثیقه طلب دولت است و عنوان غضب و توسل به مقررات آن از طرف شاکی مورد ندارد. بنا بر مراتب رد دعوی دادخواه در هر حال صحیح و ابرام آن درخواست می‌شود.

هاشم وکیل

(ن.ک به تصویر شماره ۶)

ملخص اعتراضات مستدعی تمیز دو چیز است اول آنکه چون تأسیس شرکت مورد بحث و انتقال سهم زهرا خانم به مشارالیه قبل از وضع قانون تجارت بوده مشمول قانون مزبور نخواهد بود و مواد قانون تجارت تأثیری در دعوی ندارد و لذا استناد محکمه استیناف در رد تقاضای انحلال شرکت به مواد قانون صحیح نیست دوم آنکه برای مداخله اصحاب دعوی و اخذ منافع و تعیین مقدار سهمیه خود به دفاتر محاسبه شرکت استناد جسته و محکمه به این دلیل که موثر در امر... بوده توجه نکرده است، اعتراض اول مستدعی تمیز وارد نیست چه آنکه شرکت مورد بحث به مدلول ماده ۲۲۰ قانون تجارت شرکت تضامنی محسوب است بر نظر و استدلال محکمه اشکال وارد نیست و حکم مورد شکایت در این قسمت مبرم است ولیکن اعتراض دوم وارد است چه طبق حکم شعبه اولی بدایت که قطعیت یافته مستدعی تمیز در مقداری که در صلح مزبور تصریح شده سهمیم و شریک در کارخانه و قائم مقام زهرا خانم شناخته شد و اجور و منافع سهمیه خود را از شرکت مطالبه نموده و تقاضا کرده که محاسبه شرکت مزبور به وسیله خبره رسیدگی شود که عدم توجه محکمه به دلیل مدعی مخالف ماده ۱۷۴ قانون آزمایش بوده و رسیدگی محکمه از جهت مزبور ناقص و حکم مخدوش است لذا با این قسمت از حکم مورد شکایت به موجب ماده ۳۴۰ قانون آزمایش به اتفاق نقض و تجدید رسیدگی به شعبه یک استیناف طهران ارجاع می‌گردد.

امضاء حسن فلسفی عبدالرحیم محمد بامداد

مهر دیوان عالی تمیز رونوشت که از سه صفحه نوشته شده مطابق اصل است ۱۳۱۶/۴/۷ امضاء لایقره مهر دیوان عالی تمیز

رونوشت برابر نامه و نوشت مصدق که در پرونده شعبه ۴ ۱۷۸/۱۴ بایگانی است که از سطر ۴۲ الی آخر سطر پنجاه و یک نوشته شده است ۱۷/۲۷ امضاء خاتمی

مهر دفتر کل استیناف تطبیق مواد با اصل

رونوشت برابر نوشت گواهی شده است که در پرونده ۳۵۷/۱۷ شعبه ۳ بایگانی است.

تصویر شماره ۱

کارتن تاریخ ماه ۱۳۱۱
 دوسیه
 دیوان عدالت عظمی

ورقہ عرضحال بہ

طرفین	اسم	شہرت	شغل	محل اقامت
مستدعی تمیز یا مستأنف	فتح سید اللہ	رکلی آباد	مخمس	ضیاء الہ شمس اولیہ کراچی
طرف مستدعی تمیز یا مستأنف علیہ	سید کاظم دیکر و دیگر در شرف ضلع الرزاق	دکارت	دکارت	ضیاء الہ شمس اولیہ کراچی
وکیل یا قیم یا ولی				
محکوم بہ	رد و غیرا بموجب رسم شرح روزگار دادگاہ			

شرح عرضحال

نسبت حکمی کہ در تاریخ صادر شدہ و تاریخ تسلیم ۱۳۱۸
 شعبہ صادر شدہ و تاریخ تسلیم ۹ ماه ۱۳۱۸
 ابلاغ متعرض و تقاضای رسیدگی فرمایند می شود سواد حکم
 ولاجہ اعتراضیہ و کالت نامہ کہ جمعا ورقہ است ضمیمہ عرضحال میباشد
 محل امضاء ۱۳۱۸

۲۷-۱

۵۵۷
۱۱

۱۸/۶/۱۳

محل ارجاع

کلمات زائد ابطال خورد

پیام بهارستان / د، ۴، س، ۴، ش، ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

تصویر شماره ۲

جزوه دان پرونده صفحه



وزارت کشاورزی

روز و وقت مورخه ماه ۱۳۱

بسم الله الرحمن الرحیم
 در خصوص دادگانه شرکت سهامی دولتی صنایع الدوله که در سال ۱۳۰۷ در آبادان تشکیل گردید و در آنجا
 در سال ۱۳۰۸ به جهت عدم اطمینان از اوضاع مالی و اعتباری آن شرکت در اداره کل صنایع دولتی
 در آنجا در سال ۱۳۰۹ به جهت عدم اطمینان از اوضاع مالی و اعتباری آن شرکت در اداره کل صنایع دولتی
 در آنجا در سال ۱۳۱۰ به جهت عدم اطمینان از اوضاع مالی و اعتباری آن شرکت در اداره کل صنایع دولتی
 در آنجا در سال ۱۳۱۱ به جهت عدم اطمینان از اوضاع مالی و اعتباری آن شرکت در اداره کل صنایع دولتی
 در آنجا در سال ۱۳۱۲ به جهت عدم اطمینان از اوضاع مالی و اعتباری آن شرکت در اداره کل صنایع دولتی
 در آنجا در سال ۱۳۱۳ به جهت عدم اطمینان از اوضاع مالی و اعتباری آن شرکت در اداره کل صنایع دولتی
 در آنجا در سال ۱۳۱۴ به جهت عدم اطمینان از اوضاع مالی و اعتباری آن شرکت در اداره کل صنایع دولتی
 در آنجا در سال ۱۳۱۵ به جهت عدم اطمینان از اوضاع مالی و اعتباری آن شرکت در اداره کل صنایع دولتی
 در آنجا در سال ۱۳۱۶ به جهت عدم اطمینان از اوضاع مالی و اعتباری آن شرکت در اداره کل صنایع دولتی
 در آنجا در سال ۱۳۱۷ به جهت عدم اطمینان از اوضاع مالی و اعتباری آن شرکت در اداره کل صنایع دولتی
 در آنجا در سال ۱۳۱۸ به جهت عدم اطمینان از اوضاع مالی و اعتباری آن شرکت در اداره کل صنایع دولتی
 در آنجا در سال ۱۳۱۹ به جهت عدم اطمینان از اوضاع مالی و اعتباری آن شرکت در اداره کل صنایع دولتی
 در آنجا در سال ۱۳۲۰ به جهت عدم اطمینان از اوضاع مالی و اعتباری آن شرکت در اداره کل صنایع دولتی

چاپخانه باقر زاهد شماره ۳۳۴ - ک - ۱۸۸۸/۱۰

پیام بهارستان / ۴، ۳، ۴، س، ۲، ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰



وزارت معارف

تصویر شماره ۳

جزوه دان پرونده صحنه

رو نوشت مورخه نام ۱۳۱

بقره المشرک از در شمع الدوله شکرانه هزاره این مینماید که در این روزگار که در میان ما انگیزه از طرف دولت خواهان متوجه
 جگانه و نه دانه نیز تا حدی بجای آمده امکان پیش برار داشته که در مورد این مسئله با انچه در این مباحثات در میان
 الدوله مراتب و معانی محکم کرده و بر اثر در خواست پوزیشنی آن را که در این مسئله درگاه شکرانه استانی که مرکز در قبول امر در این مباحث
 در قسمت اول به عجز از شکرانه مینماید که در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات
 را با آنچه تا سیه نموده است را به عجز از شکرانه مینماید که در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات
 شده و سیه نموده است را به عجز از شکرانه مینماید که در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات
 نه است حکم در قبول امر در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات
 را که حکم درگاه شکرانه است را به عجز از شکرانه مینماید که در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات
 فع و او جو را بطریق دیگر در خواست را به عجز از شکرانه مینماید که در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات
 هر چه باشد که شکرانه است را به عجز از شکرانه مینماید که در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات
 وقت لایحه و در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات
 بارجع به این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات
 در دولت نیز در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات
 در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات
 علی در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات
 که در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات
 مع این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات
 نسبت به این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات در این مباحثات

چاپخانه آثار واجده نو ۱۳۴۴ - ۱۸۸۸۱۰

پیام بهارستان / د، ۴، س، ۴، ش، ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰



وزارت کشاورزی

تصویر شماره ۴

جزوه دان

بروند

رونوشت

مورخه

ماه ۱۳۱

در ترشح الدوله ازین قسم دیگر علی بن ابی طالب...
 شکر بر فراغ ام جمع نماید با جمله خود فرود در صورت اصلی درین دارگاه...
 خمر صلوات در دست مبارک رضا فیض الارضا...
 خیرت که نیست هیچ هم صراف دارگاه...
 رکی ایام حرم بلوکم آن رسیده...
 سیم هر قدر که در وقت انوار...
 بیرون از کجین را رسیده...
 شد را هم در حضور همین که...
 حکم بر اثر غیر هر ترشح الدوله...
 حکم صادر در وقت ترشح الدوله...
 هم در وقت ترشح الدوله...
 ترشحی بر حکم عیدم منجر...
 دولت در دولت دارگاه...
 بعد از آنکه بیاید...
 مقام با این...
 با وفات این...
 اراده شکر میماند...
 بعد از ترشح الدوله...

چاپخانه باقر زاده / رونوشت ۱۳۱۴۴۰ - ۱۸۸۸۱۰

پیام بهارستان / ۲، ۴، ش، ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

تصویر شماره = ۷

دکتر جناب برادر شریف که در وقت تهران الشرح فرمایند است -

اگر چه بی ان تعاضلی عرض کردم در وقت خوارک اندوات محترم را ارباب نایب مفرقه توابعه دولت محترم در وقت میراد

۱- دعوای مطایبه منافع سهم داشت که لایحه در دادگاه بماند و در وقت برگزیده از حق رجوع امر از زمان آن گذشت باید رسیدگی نمود که سهم صاحب در حق
دیوالت علیه بوده مرد رسیدگی کنند که تعیین سهم و ایدای جانب از او کاشنه از وقت کاشنه تعیین شود و در وقت حکم دولت محترم در وقت رسیدگی
از نظر عالی شکایت در باید بگویند رسیدگی که همان دعوی را در وقت رسیدگی می رسید در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی
بعین است این بر خلاف قانون نیست بجز بر روی در وقت رسیدگی تا بر منافع مطایبه در دادگاه استتال در این وقت است -

۲- گذشت و از رسیدگی در وقت و معضلات بر او را بر مطایبه با حکم قضای استتال در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی
بش روی هم سپرد در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی
بجز گذارم عقلاً هم طرف دعوی را در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی

۳- این را به سبب برادر دادگاه دست دلم بر او را در وقت دادگاه بگوید در وقت رسیدگی از این زمان که در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی
دادگاه بیا رفته در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی
مراد نه هم طلبکار باشد است در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی
وزارت عالی با بر وزارت خانه در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی
تقصیر در مطایبه هم بر وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی
قره تر شده که با لایحه احتیاج را بر وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی
وزارت دادگاه طبیب دولت تهران است با بیک وقت در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی
بر وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی
دادگاه تو جمع خواست مدت و تاریخ مطایبه را بر او ارجح است این را در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی
چرا باید از نظر دادگاه به همه چیز از نظر در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی در وقت رسیدگی
صیقلی که بر تقاضای نقض قرار شده است ۱۸/۹/۱۳۱۳

پیام بهارستان / ۴، ۳، ۱۳ / پاپیژ ۱۳۹۰

سید هاشم وکیل

۳۵۷
۱۱

تصویر شماره ۸

نمبره ۴
تاریخ ۱۰/۶/۱۰
ضمیمه

درون کاغذ

حضرات انجمن سید ابوالقاسم (رئیس لایسنس) عراقی صادر از شعبه پلا دادگاه ۶۰ استان مرکز از طرفت، در تاریخ ۱۰/۶/۱۰

داده بنام زبیرا:

مجلسه در پنجمین روز بعد از آنکه دادگاه ۶۰ است بر روی آن در روزهای ۱۰/۶/۱۰ در وقت ظهر جلسه گرفته بود و دعای حضرت
 خدای صاحب را بخواند که منافع بیمه را که در کتاب تدوین شده و نیز در کتب معتبره دیگر و با انطباق با قوانین و مقررات
 ۱۴۱۱ صدره ای است بخورد و در وقت از عصر تا آخر روز و در آن ایام نیز در وقت ظهر و عصر ۳۰۰ نفر حضور یافتند و در وقت
 ظهر در آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در روزهای ۱۰/۶/۱۰ در وقت ظهر و عصر در آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن
 در آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر در آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر
 آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر در آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر
 آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر در آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر
 آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر در آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر
 آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر در آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر
 آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر در آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر
 آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر در آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر
 آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر در آن وقت که دادگاه ۶۰ است بر روی آن در وقت ظهر و عصر

پیام بهارستان / د. س. ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

۵۵۷

وزارت دادگستری ۱۱

تصویر شماره ۹

تاریخ ۱۸ / ۸ / ۱۳۱۱

فادگاه شعبه

دادنامه شماره ۲۴۴۴

تمام مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه بهاولی

در خصوص دادخواست نریضی اتا بقا برالتاس رکن الاسلام بطرفیت سهم هاشم وکیل وکیل ورثه صنایع الدوله از دادنامه شماره ۴۱۱۴ صادر از شعبه سوم دادگاه استان اروا که بدو را وکیل اتای رکن الاسلام در دادگاه شهرستان بخوارستان بجهت مبلغ هفتاد و چهارصد و شصت و نه ریال بابت اجرت المثل سهم خود از کارخانه ریسندگی صنایع الدوله رسد ریاست خسارت - دعوی سابق و بابت طلب مرحوم اتای محمد تقی شاهرود از ورثه صنایع الدوله که مدعی انتقال مبلغ ارباب بخوارستان گردیده و بخوارستان بظمان انحلال شرکت کارخانه مزبور و تعیین هیئت تصفیه بر ورثه مرحوم صنایع الدوله اتا بقا ن امان اله خلیقی - عزت اله - محمد تقی - احترام السلطنه - عفت السلطنه - کوکب اعظم - ناطقه - حسین مدبر کارخانه - باستان رونوشت حکم شعبه اولی دادگاه شهرستان تهران اقامه دعوی نموده - در جریان کارهشم دادخواست دیگری از طرف وکیل مشارالیه بطرفیت اتا بقا ن مهد بقلی (مخیر السلطنه) محمد قلی (مخیر الملک) و ورثه محمد تقی شاهرود و ناطقه خانم اصالة و نسیمه از طرف مدینه خانم همسر و مجنون خود عذرا خانم و بلقیس خانم انحلال شرکت ریسندگی اتای تصفیه آن وقت به سهم الشریکه و منافع سنوات گذشته و طلب از شرکت سهامی اتا بقا ن هزار ریال اقامه دعوی نموده - مستند دعوی هم همان رونوشت حکم شعبه اول دادگاه شهرستان تهران بود - بشهر برای آنکه اتا بقا ن الاسلام بخوارستان بکند از کارخانه مزبور بر زهرا خانم دختر شاهرودی و سه نفر اولاد اتا بقا ن محمد سیدی - محمد حسین - کبری خانم بمستند سه فقره سالحه نامه بخاری اقامه دعوی نموده - و سایر آنکه مدعی طلبهم را بخلع بدو و تسلیم بکند آنکه الا تم ریج از کارخانه محکوم کرده وکیل ورثه صنایع الدوله بر حکم مزبور بعنوان ثالث اعتراض کرده - دادگاه مجدداً رسیدگی و رأی سابق را کمیخته و ورثه صنایع الدوله را محکوم بر مبلغ بیست و نه هزار و یکصد و شصت و نه ریال از کارخانه اعیان را امانه ان استغناء متورن بپزل نموده که بتصرف بدو هفت پسر از آنکه این حکم بجهت اقس در تهران کشور شکسته شده و بشعبه ۱ دادگاه شهرستان ارسال گردیده - بالاخره رأی داده - چون مرحوم محمد تقی شاهرودی در دست و نود و نه هزار و شصت و شصت و نه ریال و کسری را تا من کارخانه پرداخته که بشهرکت اتا بقا ن صنایع الدوله و حاج مخیر السلطنه و مخیر الملک کارخانه تا من و مشغول کارشوند - چون ورثه مرحوم محمد تقی منحصر بچهار دختر و یک پسر عمال بوده و سهم هر دختر و پسر از ورثه و تکلیف اعیان مساوی است و چهار هزار و شصت و شصت و نه ریال بجهت و بنظر مشهود و چون سهم الارث زهرا خانم یکی از دخترها برکن الاسلام منتقل شده ورثه صنایع الدوله محکومند نسبت بخلع فوق الذکر مدعی را شریک در کارخانه شناخته و منافع و ضرر او را سهم سازند بالاجمله دادگاه شهرستان پس از رسیدگی نسبت به نوازه و هزار و پنجاه ریال از خواسته که بابت طلب مرحوم شاهرودی از کارخانه نسبت بسهم الارث زهرا خانم مطالبه شده این قسمت را مشغول روزمان دانسته و رایج ~~باید~~ به تقاضای انحلال شرکت هم بدلائل مذکوره در رأی خواهان را بحق شناخته و در خصوص اجرت المثل که از ورثه صنایع الدوله شایسته هزار ریال منافع که از سایر شرکا خوانده ها خواسته شده بلحاظ اینکه از طرف ~~مدعی~~ صورت ~~بسیار~~ و جز جمع کارخانه داده نشده تا رسیدگی بحساب کارخانه ممکن باشد رأی داده که دعوی مدعی نسبت به بالاخره - رایج بخسارت دعوی سابق ورثه صنایع الدوله را بتاد به جلیقی محکوم کرده و بر اثر در خواست پژوهش اتای رکن الاسلام دادگاه شعبه ۴ استان مرکز تراز قبول روزمان را کمیخته و در قسمت مطالبه اجرت المثل و منافع کارخانه و مطالبه سهم الارث زهرا خانم از بابت طلب مرحوم شاهرود از کارخانه حکم پژوهش خواسته را با استنباط استوار نموده است

و بد بگری مورن ۱۳۱۳/۸/۲۲

پیام بهارستان / د. س. ۴، ش. ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

تصویر شماره ۱۰

وزارت دادگستری

دادگاه شعبه
نام نام شماره

نام مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه پهلوی

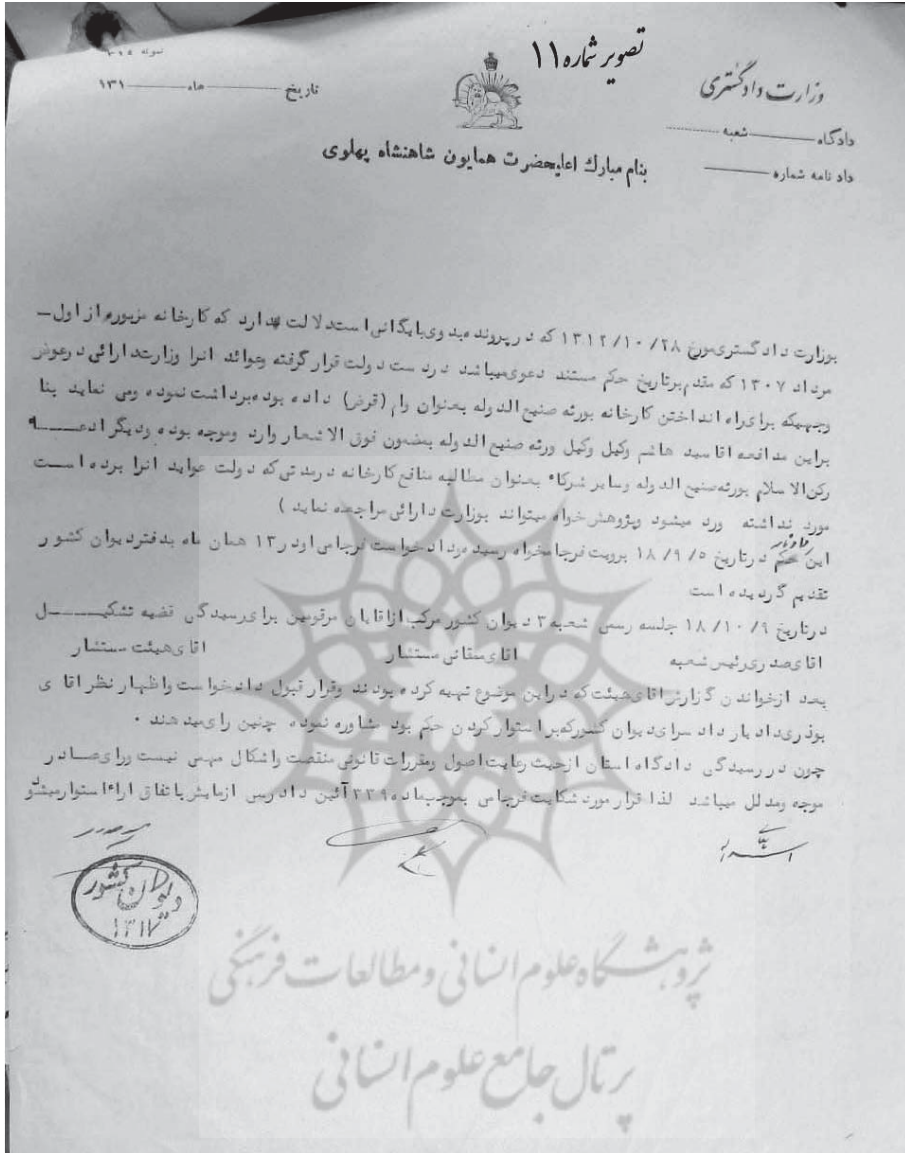
تاریخ ماه ۱۳۱۱
شماره ۳۱۴

راجح بدعوی پژوهش بطرفیت ناظمه خانم بعنوان نویسنده برصد بقه خانم میچونه چنین تم نام ارائه نشد رسیدگی نکرد و نسبت بقرینه اخترا سلطنه هم بملاحظه اینکه در مرحله بدوی طرف بدعوی نبوده و رسیدگی دادگاه شهرستان از این جهت موقوفه ندانسته حکم و قرار قبول مرور زمان رانسخ بدعوی را این بابت قابل رسیدگی ندانسته است و بدین کشور براه درخواست فرجی اتا رکن الاسلام حکم دادگاه شعبه ۴ استان را در خصوص بیحق مشارالیه در باب انحلال شرکت استوار کرده ولی در قسمت راجح بمطالبه منافع واجور بلحاظ اینکه درخواست رسیدگی بمحاسبه شرکت بوسیله خبره شده بود و دادگاه بدعوی با این دلیل خواهان نموده حکم را شکرسته و ختم امر را بدادگاه شعبه ۴ استان مرکز رجوع نموده و دادگاه در جلسه مورخه نهم آبان ۱۸۱۸ شرح زیرین را داده است.

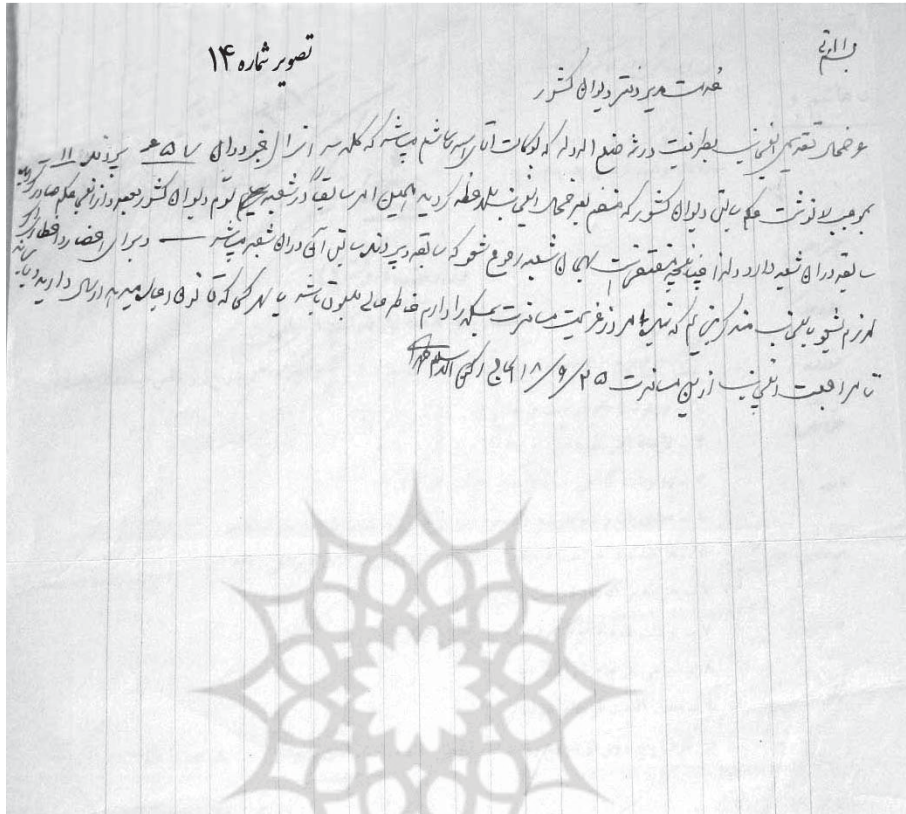
(راجح بدعوی اتا محمد حسین و محمد مهدی و کبیرا خانم بنسخ رونوشت حکم مستند دعوی سابقا هم مشارالیه هم در خصوص همین بکده انگ کارخانه طرف بدعوی بوده و در نتیجه رسیدگی حکم بحاقانیت اتا رکن الاسلام صادر گردیده و بدانعامت وکیل اتان خلاصه آنکه حکم بر اثر اعتراض ورثه صنایع الدوله فسخ شده و چون این حکم غلطی بوده و در مدت یکسال بوق اجرا گذاشته نشده باز امتیاز قانونی اتان را اینکه حکم صادر در نتیجه اعتراض ورثه صنایع الدوله هم مشعر بحاقانیت بدعی نسبت بشصت و چهار هزار و شصت و شصت ریال ریخته بوده نه بکده انگ از کارخانه هم وارد نیست - نیز امتیاز حکم مزبور در نتیجه اعتراض ورثه صنایع الدوله بوده و مستند از ماده ۱۱۱ اصول محاکمات از این قبیل حکم بکار نمیدانند بحال محکوم علیهم نخواهد بود و بر طبق تفسیر رسید اجرائی ضمیمه هم حکم صادر بر علیه حاج رکن الاسلام بوق اجرا گذاشته شده و حکم مزبور صریحا دلالت دارد که دادگاه حاج رکن الاسلام را محکوم و شریک در کارخانه ندانسته و میزان سهم او را به نسبت وجهیکه شرکا اولیه پرداخته و شریک در کارخانه ندانسته و میزان سهم او را به نسبت وجهیکه شرکا اولیه پرداخته اند مساوی سهم الارث در کارخانه تعیین کرده - بنابراین سایر اظهارات و کتب مشارالیه نیز سببی بر اینکه زهرا خانم قبلا مالک خود را بدعی ها و نالت انتقال داده بوده و دیگر نمی توانستند معامله باندی نماید و اینکه صالحه نام هاشمی مورخ ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ در زمان صغر سن بدعی علیها و نالت صلحت شده و تاثری نداشته باشد در حکم سابقا با دخالت همین اشخاص دیگر این اظهارات قابل استماع نیست) بلا جهت مزوره و نظر بانکه بر حسب رونوشت حکمیکه اخیرا از طرف بدعی بدوی ارائه شده بدعیان ثالث همین دعوی را بعنوان اعتراض بر درخواست ثبت حاج رکن الاسلام در دادگاه شهرستان اتان در نتیجه رسیدگی حکم بدعی بدعوی بدعوی اتا رکن الاسلام مزبور صادر شده است لذا در هر صورت و در حال دعوی مشارالیه دیگر مورد موقوفیت ندانسته و مشهود -

۱- راجح بدعوی پژوهش حاج رکن الاسلام دعوی مشارالیه بر حسب توضیحی که در جلسه ۱۲ اردیبهشت ۱۸۱۸ این دادگاه داده این است که منافع کارخانه را از تاریخ حکم مستند دعوی خود تا تاریخ دادخواست تقدیم بدادگاه شهرستان مطالبه دارد در صورتی که محتویات پرونده کار حاقانیت که ورثه صنایع الدوله و سایر بدعی علیهم بدو در دست نیکبینه مطالبه منافع کارخانه شده است عرایض و منافع از کارخانه بجز آنند بلکه در مدت مزوره کارخانه در تصرف دولت بوده و عرایض اترا وزارت دارائی میبرده زیرا که تاریخ حکم مستند دعوی مشارالیه که اترا میداد مدت مطالبه منافع قرار داده نام شهر خرمه ۱۳۱۰ است و دادخواستها و تقاضای او بدادگاه شهرستان هم یکی مورخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۱۳ - و دیگری مورخ ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۱۳ میباشد و نامه مدیر کارخانه خطاب با اداره اجراء دادگستری که خود حاج رکن الاسلام در این دادگاه ارائه و مان استناد کرده و قانونا بر علیه مشارالیه دلیل است همچنین نامه وزارت دارائی خطاب

پیام بهارستان / د. س. ۴، ش. ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰



پیام بهارستان / ۴، س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

تصویر شماره ۱۵

تاریخ ماه ۱۳ وزارت دادگستری

یادداشت

نویسند

۱۵

شماره

به

فرجام خواه
 فرجام خوانده
 فرجام خواسته
 در تخم اذر ۱۳۱۸ بر روی فرجام خواه رسیده و در فرجام خوانده فرجام خواهان به فرجام
 کمر بستیم و نیتیم در کمر فرجام خواهان است
 گزارش کار: ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...

پروفسور شاکه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

پیام بهارستان / ۲۰، ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

